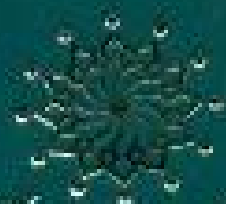


اخبار الاخيار فی اسرار الابرار

عبدالحق محدث دہلوی

تصحیح و توفیق

علیم اشرف خان



مجلس آراء و مسائل فقہی
۱۳۲۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اخبار الاخيار في اسرار الابرار



مرکز تحقیقات کتب و نشر علوم اسلامی

اخبار الاحیاء فی اسرار الابرار

عبدالحق محدث دہلوی



علیم اشرف خان



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

۱۳۸۳

سلسله انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
شماره ۳۲۰

محدث دهلوی، عبدالحق، ۹۵۸ - ۱۰۵۲ ق
اخبارالاخیار فی اسرارالابرار / عبدالحق محدث دهلوی؛ تصحیح و توضیح
علیم اشرف خان. - تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳.
۶۸۶ ص. -- (سلسله انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی؛ شماره ۳۲۰)
ISBN : 964-7874-71-5

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. [۶۸۱] - ۶۸۶.

نمایه.

۱. عارفان -- سرگذشتنامه. ۲. تصوف. الف. اشرف خان، علیم، مصحح. ب. انجمن
آثار و مفاخر فرهنگی. ج. عنوان.

۲۹۷/۸۹۲

BP۲۷۸/م۲۶م۳

۸۳۰۳۵۶۷۳

کتابخانه ملی ایران



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
اخبارالاخیار فی اسرارالابرار
عبدالحق محدث دهلوی

تصحیح و توضیح

علیم اشرف خان

ویراستار: دکتر اسدالله کفافی

نمونه خوان: ولی الله محمدی

ناظر فنی چاپ: محمد رثوف مرادی

چاپ اول، ۱۳۸۳ □ شمارگان ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران

حق چاپ برای انجمن آثار و مفاخر فرهنگی محفوظ است

دفتر مرکزی: تهران - خیابان ولی عصر - پل امیربهادر - خیابان سرگرد بهمنی (بوعلی) - شماره ۱۰۰

تلفن: ۵۳۷۴۵۳۱-۳، دورنویس: ۵۳۷۴۵۳۰

دفتر فروش: خیابان انقلاب بین خیابان ابوریحان و خیابان دانشگاه - ساختمان فروردین - شماره ۱۳۰۴،

طبقه چهارم - شماره ۱۱۴ تلفن: ۶۴۰۹۱۰۱

شابک: ۹۶۴-۷۸۷۴-۷۱-۵ ISBN : 964-7874-71-5

قیمت: ۶۸۰۰ تومان

پیشگفتار انجمن

به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد

اگر گفته شود که میان مردم جهان، هیچ مردمی چون مردم دو کشور ایران و هندوستان از نظر ویژگی‌های اخلاقی و فرهنگی به هم شباهت ندارند، گزافه نخواهد بود. در این باره مرحوم علی اصغر حکمت در اله آباد هند در حین سخنرانی ارتجالاً تمثیلی بر زبان آورده است که جواهر لعل نهرو نخست وزیر دانشمند هند در کتاب خود کشفِ هند همان مثال را تکرار کرده است. مرحوم حکمت گفته است:

«در آن روزگار دیرین دو برادر نوجوان از خانه پدری خویش بیرون آمدند و در کنار جهان هر یک از راهی برفتند، یکی به سوی خاور رهسپار شد و دیگری راه باختر را در پیش گرفت. گذشت روزگار آن هر دو را از یکدیگر آنچنان جدا ساخت که زادگان ایشان را هر یک نامی و نشانی دیگر پیش آمد و کمتر از پدران خود یاد کردند. از آن گذشته دیرین و روزگار شیرین که نیاکان آنها در کانون خانوادگی گد یکدیگر بودند، یادگاری به جای نماند، تنها ترانه و سرودی چند از آن روزهای کهن به یاد ایشان مانده بود که به نوای ساز می‌سرودند و سینه به سینه و دهان به دهان از پدران به فرزندان رسیده بود. پس از سالیانی دراز، دست روزگار برخی از آن برادرزادگان را ناگهان با یکدیگر

روبرو ساخت. در آغاز یکدیگر را نشناختند و همدگر را بیگانه پنداشتند. مگر یک تن از ایشان آن سرود خانوادگی کهن را بنواخت و آن ترانه نیاکانی را بسرود، آن دیگری چون بشنید شناخت. هر دو را دلها در سینه به طپش افتاد و چون دانستند که خون و رگ و ریشه آنها یکی است، همدگر را در آغوش گرفته، بر سر و روی یکدیگر بوسه هازدند و بر آن گذشته تاریک که از یکدیگر دور مانده بودند اشکهای پشیمانی از دیده بر رخسار روان ساختند. اینک ما (مردم ایران و هند) همان برادرزادگانیم که بار دیگر با یکدیگر گرد آمده ایم، پریشانی و دوری ما از میان برخاسته و نزدیکی و دوستی به جای آن نشسته است. (۱)

در زمینه های فرهنگی، چنانکه مرحوم حکمت به تمثیل بیان کرده، این شباهت زیاده تر است. از نظر تاریخی، سومین کتاب معروف در تصوّف، یعنی کشف المحجوب را ابوالحسن علی بن عثمان هجویری غزنوی، در گذشته ۴۶۴ هـ تدوین کرده است. قدیم ترین تذکره ای که در ترجمه احوال شعرای فارسی گوی به دست ما رسیده، لباب الالباب سدیدالدین محمد عوفی بخاری در ۶۱۸ هـ در هند به نام حسین بن شرف الملک، وزیر ناصرالدین قباچه تألیف شده است.

تذکره نویسی و فرهنگ نویسی به زبان فارسی در هند سخت رایج بود. تذکره روز روشن از مولوی محمد مظفر حسین صهبا، تذکره میخانه از ملا عبدالنّبی فخرالزمانی قزوینی، حدیقه الاولیا از سید عبدالقادر بن سید هاشم بن سید محمد تقوی، شعرالعجم از شبلی نعمانی، مآثر رحیمی از عبدالباقی نهاوندی و... دهها تذکره معروف دیگر مانند ریاض الشعرا از واله داغستانی، و فرهنگ زمان گویا از بدر ابراهیم، برهان قاطع، غیاث اللغات، چراغ هدایت، منتخب اللغات، آنندراج و دهها فرهنگ دیگر دلیل این مدّعاست.

در کنار تذکره نویسی، در میان صوفیان هند ملفوظات نویسی رواج داشت. برخی از صوفیان در محافل خود سخنان مرشد خود را ثبت می‌کردند. این کار در میان مولویه هم رایج بود، مقالات شمس‌الدین تبریزی، مجالس سبعه مولانا جلال‌الدین و فیه مافیه از این طریق پدید آمده است. در میان ملفوظات صوفیان هند، فواید‌النوادر تألیف خواجه میرمحسن علاء سجزی دهلوی، خیرالمجالس از حمید قلندر معروف‌تر از همه‌اند. اولی حاوی سخنان نظام‌الدین اولیا و دومی دربرگیرنده سخنان حضرت شیخ نصیرالدین محمود چراغ دهلوی است.

یکی از محدثان، محققان و مورخان هند که آثار متعددی از خود بر جای گذاشته، عبدالحق بن سیف‌الدین بن سعدالله ترک بخاری دهلوی است. خانواده او از بخارا به دهلوی کوچیده‌اند، عبدالحق در ۹۵۸ هـ در دهلوی به دنیا آمده، پس از تحصیل، به تصوف روی آورد و به طریقت قادریه پیوست. عبدالحق از مؤلفان پر اثر بود، چنانکه بعضی تعداد آثار او را متجاوز از صد جلد می‌دانند. عبدالحق شعر هم می‌گفت و «حقّی» تخلص می‌کرد. عبدالحق در اوایل با شیخ احمد سرهندی معروف به مجدد الف ثانی اختلاف پیدا کرد، اما بعد به معتقدان و ستایندهان او پیوست.

شیخ عبدالحق تاریخی به نام تاریخ حقّی در ۱۰۰۵ هـ تألیف کرده است. آنچه در این تاریخ که از منابع تاریخی پیش از خود استفاده کرده است اهمیت دارد، شرح وقایع چهل و دو سال اول سلطنت اکبر شاه است که مؤلف مشهودات خود را ثبت کرده است. اثر دیگر عبدالحق، اخبارالاخیار فی اسرارالابرار اوست که در آن احوال دویست و سی تن از صوفیان آمده است. در پایان کتاب شرح حال پدر خود و خود را هم افزوده است. این کتاب از نظر سادگی زبان و نپرداختن به کرامات خارق‌العاده دارای اهمیت است و از کتب معتبر شمرده می‌شود. راقم این پیشگفتار به هنگام اقامت در دانشگاه جواهر لعل نهرو و تدوین نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند با این کتاب انس دیرینه داشت. چون شنید که استاد پروفیسور شریف حسین قاسمی از دانشوران سخت‌کوش و

از استادان برجسته زبان فارسی در هند تصحیح مجدد کتاب را به آقای دکتر علیم اشرف خان به عنوان پایان نامه تعیین کرده‌اند، خوشحال نشد. صفحاتی از اشکالات کتاب را در دانشگاه دهلی با آقای علیم اشرف خان به مشاوره پرداخت. خوشبختانه تصحیح کتاب به نحو احسن پایان گرفت. جای این کتاب با امکانات امروزی چاپ واقعاً خالی بود. خوشحالم که اینک کتاب به صورت پسندیده در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

توفیق ه. سبجانی

عضو شورای علمی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

فهرست مطالب

عبدالحق محدث دهلوی: زندگی و تحصیل	بیست و یک
[آغاز رساله].....	۱
[طبقه اول].....	۱۷
شیخ الاسلام محیی الدین ابومحمد عبدالقادر الحسینی الحسینی الجیلانی.....	۱۷
معین الحق و الملة والدین حسن الحسینی سجزی - قدس سره.....	۴۳
خواجه قطب الدین بختیار کاکی اوشی - قدس سره.....	۴۷
شیخ الاسلام بهاء الدین ابومحمد زکریا الملتانی القرشی الاسدی - رحمة الله عليه.....	۵۰
سید نورالدین مبارک غزنوی - رحمة الله عليه.....	۵۴
شیخ حمیدالدین الصوفی السعیدی الناگوری السوالی - رحمة الله تعالى عليه	۵۶
قاضی حمیدالدین ناگوری.....	۷۰
شیخ جلال الدین تبریزی - قدس سره.....	۸۳
شیخ نظام الدین ابوالموید - قدس الله سره العزیز.....	۸۷
شیخ برهان الدین محمود بن ابی الخیر اسعد البلخی - رحمة الله عليه.....	۸۸
شیخ احمد نهروانی - رحمة الله عليه.....	۸۹
شیخ محمد ترک نارنولی - رحمة الله عليه.....	۸۹
شیخ ترک بیابانی مشهور به شاه ترکمانی صاحب - رحمة الله عليه.....	۹۱
شیخ شاهی موی تاب - رحمة الله عليه.....	۹۱
شیخ بدرالدین موی تاب - رحمة الله عليه.....	۹۳

- خواجه محمود موئینہ دوز - رحمۃ اللہ علیہ - ۹۳
- مولانا مجد الدین حاجی - رحمۃ اللہ علیہ - ۹۳
- شاہ خضر - رحمۃ اللہ علیہ - ۹۴
- شیخ بدر الدین غزنوی - رحمۃ اللہ علیہ - ۹۴
- خواجه بُست - ۹۵
- مولانا ناصح الدین - رحمۃ اللہ علیہ - ۹۶
- شیخ فخر الدین غزنوی - قدس سرہ - ۹۶
- طبقہ دوم - ۹۷
- در ذکر شیخ فرید الحق والملة والدين گنج شکر و معاصران و مریدان ایشان ۹۷
- شیخ فرید الدین مسعود - قدس سرہ العزیز - ۹۷
- شیخ نظام الحق والدين محمد بدايوني - قدس سرہ - ۱۰۳
- شیخ نجیب الدین متوکل - قدس سرہ - ۱۱۳
- سید جلال الدین بخاری - قدس اللہ سرہ العزیز - ۱۱۵
- شاہ گردیز - قدس سرہ العزیز - ۱۱۶
- شیخ صدر الدین - رحمۃ اللہ علیہ - ۱۱۶
- شیخ رکن الدین ابوالفتح - رحمۃ اللہ علیہ - ۱۲۰
- شیخ صلاح الدین درویش - رحمۃ اللہ علیہ - ۱۲۶
- مولانا بدر الدین اسحق - رحمۃ اللہ علیہ - ۱۲۷
- شیخ جمال الدین احمد هانسوی الخطیب [رحمة الله عليه] ۱۲۸
- شیخ برهان الدین صوفی - ۱۳۱
- شیخ عارف - ۱۳۲
- شیخ صابر - ۱۳۲
- خواجه نصیر الدین - رحمۃ اللہ علیہ - ۱۳۳
- مولانا شہاب الدین [رحمة الله عليه] ۱۳۳
- شیخ بدر الدین سلیمان [رحمة الله عليه] ۱۳۴
- خواجه نظام الدین [رحمة الله عليه] ۱۳۵

- خواجه يعقوب - رحمة الله عليه ۱۳۵
- مولانا داود پالهي - رحمة الله عليه ۱۳۶
- مولانا رضى الدين منصور - رحمة الله عليه ۱۳۶
- مولانا كمال الدين زاهد [رحمة الله عليه] ۱۳۷
- شيخ نور الدين - رحمة الله عليه ۱۳۷
- شيخ ضياء الدين رومى - رحمة الله عليه ۱۳۹
- شيخ شرف الدين كرماني [رحمة الله عليه] ۱۳۹
- سيدي موله [رحمة الله عليه] ۱۴۰
- شيخ ابوبكر طوسى حيدري [رحمة الله عليه] ۱۴۰
- شيخ فريد الدين [رحمة الله عليه] ۱۴۱
- شيخ عبدالعزیز [رحمة الله عليه] ۱۴۲
- شيخ على كرد [رحمة الله عليه] ۱۴۲
- مولانا نور ترك [رحمة الله عليه] ۱۴۳
- مولانا مخلص الدين [رحمة الله عليه] ۱۴۴
- خواجه على ۱۴۵
- خواجه حسن افغان [رحمة الله عليه] ۱۴۶
- شيخ تقى الدين محمد [رحمة الله عليه] ۱۴۶
- شيخ برهان الدين نسفى [رحمة الله عليه] ۱۴۷
- مولانا علاء الدين اصولى بدايونى [رحمة الله عليه] ۱۴۷
- شمس الملك - قدس الله سره ۱۴۹
- قاضى جمال بدايونى ملتانى [رحمة الله عليه] ۱۴۹
- شيخ صوفى بدهنى - قدس الله سره ۱۵۰
- شيخ شهاب الدين خطيب هانسوى [رحمة الله عليه] ۱۵۱
- شيخ احمد بدايونى [رحمة الله عليه] ۱۵۲
- شيخ قاضى منهاج جرجانى [رحمة الله عليه] ۱۵۲
- مولانا احمد حافظ [رحمة الله عليه] ۱۵۳

- ۱۵۴ طبقہ سوم
- از زمانہ شیخ نصیرالدین محمود چراغ دہلی و اہل زمان ایشان و ہکذا ہذا الترتیب
- ۱۵۴ الی عصرنا ہذا رحمۃ اللہ علیہم اجمعین
- ۱۵۴ شیخ نصیرالدین محمود
- ۱۶۷ شیخ سراج الدین عثمان
- ۱۶۹ شیخ قطب الدین منور
- ۱۷۲ شیخ نورالدین [رحمۃ اللہ علیہ]
- ۱۷۳ شیخ حسام الدین ملتانی [رحمۃ اللہ علیہ]
- ۱۷۶ مولانا فخرالدین زرادی
- ۱۷۹ مولانا فخرالدین مروزی
- ۱۸۰ مولانا علاء الدین نیلی
- ۱۸۱ شیخ برہان الدین غریب - قدس سرہ
- ۱۸۳ مولانا علی شاہ جاندار - قدس اللہ سرہ
- ۱۸۳ شیخ علاء الدین بن شیخ بدرالدین سلیمان - قدس سرہ
- ۱۸۵ خواجہ محمد [قدس سرہ]
- ۱۸۶ خواجہ عزیزالدین صوفی [قدس سرہ]
- ۱۸۶ خواجہ تقی الدین نوح [قدس سرہ]
- ۱۸۷ سید محمد بن سید محمود کرمانی
- ۱۸۷ سید محمد [رحمۃ اللہ علیہ]
- ۱۸۸ مولانا شمس الدین یحییٰ - قدس سرہ
- ۱۹۰ قاضی محیی الدین کاشانی - قدس سرہ
- ۱۹۱ مولانا وجیہ الدین یوسف - قدس سرہ
- ۱۹۲ مولانا وجیہ الدین پایلی - رحمۃ اللہ علیہ
- ۱۹۲ امیر خسرو دہلوی - رحمۃ اللہ علیہ
- ۱۹۶ امیر حسن بن علاء سجزی دہلوی
- ۲۰۰ خواجہ شمس الدین [قدس سرہ]

- خواجه ضياء الدين برنى [قدس سره] ۲۰۱
- خواجه ضياء نخشبى [قدس سره] ۲۰۴
- خواجه ضياء الدين سنابى [قدس سره] ۲۱۳
- مولانا جلال الدين اودهى [قدس سره] ۲۱۳
- خواجه مؤيد الدين كره اى ۲۱۴
- شيخ نظام الدين شيرازى - رحمة الله عليه ۲۱۵
- خواجه شمس الدين دهاى - قدس الله سره ۲۱۵
- خواجه احمد بدايونى - قدس سره ۲۱۵
- مولانا حميد [قدس سره] ۲۱۶
- شيخ حسام الدين [قدس سره] ۲۲۲
- شيخ حسام الدين سوخته [قدس سره] ۲۲۳
- خواجه معين الدين خرد - رحمة الله عليه ۲۲۴
- خواجه احمد - رحمة الله عليه ۲۲۷
- خواجه وحيد - رحمة الله عليه ۲۲۸
- شيخ بدر الدين سمرقندى - رحمه الله عليه ۲۲۹
- شيخ ركن الدين فردوسى - رحمة الله عليه ۲۲۹
- شيخ نجيب الدين فردوسى - رحمة الله عليه ۲۳۰
- شيخ شرف الدين احمد - رحمة الله عليه ۲۳۰
- شيخ حسن - عليه الرحمة ۲۴۱
- شيخ شرف الدين پانى پتى - قدس الله تعالى سره ۲۵۵
- شيخ عثمان سباح - قدس الله سره ۲۶۲
- شيخ ابوبكر موى تاب - قدس سره ۲۶۲
- شيخ شهاب الدين حقهو - رحمة الله عليه ۲۶۳
- سيد محمد - رحمة الله عليه ۲۶۳
- سيد محمد بن جعفر - رحمة الله عليه ۲۷۳
- سيد جلال الدين بخارى - رحمة الله عليه ۲۸۵

- ۲۸۷ شیخ علاء الحقّ والذین بن اسعد لاهوری بنگالی - رحمة الله عليه
- ۲۸۸ مولانا خواجگی - رحمة الله عليه
- ۲۹۰ مولانا معین الدین عمرانی - رحمة الله عليه
- ۲۹۰ مولانا احمد تھانیسری - رحمة الله عليه
- ۲۹۳ شیخ صدرالدین حکیم - رحمة الله عليه
- ۲۹۸ شیخ سراج الدین بن عالم بن قوام الدین ملتانی - رحمة الله عليه
- ۲۹۹ سیّد تاج الدین شیرسوار - قدس الله سرّه
- ۳۰۰ قاضی شمس الدین شیبانی - رحمة الله عليه
- ۳۰۱ سیّد یوسف بن سیّد جمال الحسینی - رحمة الله عليه
- ۳۰۱ قاضی عبدالمقتدر - رحمة الله عليه
- ۳۰۵ زین الدین - رحمة الله عليه
- ۳۰۵ شیخ نورالحقّ والذین - رحمة الله عليه
- ۳۱۰ سیّد صدرالدین راجو قتال بخاری - قدس الله سرّه
- ۳۱۰ خواجہ اختیارالدین عمر ایرجی - رحمة الله عليه
- ۳۱۱ شیخ یوسف بدہ ایرجی - قدس سرّه
- ۳۱۱ شیخ قوام الدین - رحمة الله عليه
- ۳۱۲ شیخ سارنگ - قدس سرّه
- ۳۱۲ شیخ مینا - رحمة الله عليه
- ۳۱۴ شیخ احمد کھٹو - قدس الله تعالیٰ سرّه
- ۳۲۱ قطب عالم [قدس سرّه]
- ۳۲۲ شاه عالم [قدس سرّه]
- ۳۲۳ داورالملک - قدس الله سرّه
- ۳۲۴ قاضی محمود - قدس سرّه
- ۳۲۵ شیخ وجیہ الدین - قدس الله سرّه
- ۳۲۵ شیخ علاء الدین قریشی - قدس الله سرّه
- ۳۲۶ شیخ ابو الفتح علائی قریشی - رحمة الله تعالیٰ عليه

- ۳۲۶ شیخ سراج سوختہ - رحمۃ اللہ علیہ -
- ۳۲۷ شیخ بدیع الدین مدار - قدس سرہ -
- ۳۲۸ شیخ سخائی - رحمۃ اللہ علیہ -
- ۳۲۹ مولانا تقی الدین اودھی - قدس سرہ -
- ۳۳۰ شیخ رفقہ الدین - قدس سرہ -
- ۳۳۰ شیخ انوار - رحمۃ اللہ علیہ -
- ۳۳۰ میر سیّد اشرف سمنانی - قدس سرہ -
- ۳۳۴ شیخ فتح اللہ اودھی - قدس سرہ -
- ۳۳۶ مسعود بک - قدس سرہ -
- ۳۴۲ سیّد ید اللہ - رحمۃ اللہ علیہ -
- ۳۴۳ شیخ پیارہ - قدس سرہ -
- ۳۴۴ شاہ جلال گجراتی - قدس اللہ سرہ -
- ۳۴۵ شیخ محمد ملاوہ [قدس سرہ] -
- ۳۴۶ شیخ سعد اللہ - قدس سرہ -
- ۳۴۷ شیخ رزق اللہ - قدس سرہ -
- ۳۴۸ شیخ ابو الفتح جونپوری - قدس اللہ تعالیٰ سرہ -
- ۳۴۹ شیخ تقی - قدس اللہ تعالیٰ سرہ -
- ۳۵۰ سیّد شمس الدین طاہر - قدس اللہ تعالیٰ سرہ -
- ۳۵۰ شیخ عبد اللہ شطاری - قدس اللہ تعالیٰ سرہ -
- ۳۵۱ شیخ حسام الدین مانکپوری - قدس اللہ تعالیٰ سرہ -
- ۳۵۴ مولانا جلال الدین مانکپوری - رحمۃ اللہ علیہ -
- ۳۵۵ مولانا خواجہ - قدس سرہ -
- ۳۵۶ شیخ کالو - قدس سرہ -
- ۳۵۶ مولانا شیخ حافظ - قدس اللہ تعالیٰ سرہ -
- ۳۵۷ شیخ علی پیرو - قدس سرہ -
- ۳۵۸ شیخ محمد عیسیٰ - قدس اللہ تعالیٰ سرہ -

- ۳۵۹ قاضی شہاب الدین دولت آبادی - قدس اللہ تعالیٰ سرہ -
- ۳۶۱ قاضی نصیر الدین گنبدی - قدس سرہ -
- ۳۶۲ شاہ میان جیو - قدس سرہ -
- ۳۶۳ شیخ کبیر - قدس سرہ -
- ۳۶۳ خواجہ حسین ناگوری - قدس سرہ -
- ۳۶۶ شیخ احمد مجد شیبانی - رحمۃ اللہ تعالیٰ علیہ -
- ۳۷۱ شیخ حمزہ دھر سوی - قدس سرہ -
- ۳۷۳ شیخ احمد عبدالحق - قدس اللہ تعالیٰ سرہ -
- ۳۷۸ شیخ صلاح درویش - قدس سرہ -
- ۳۷۸ شیخ جمال گوجری - قدس سرہ -
- ۳۷۹ شیخ بختیار - رحمۃ اللہ علیہ -
- ۳۸۱ شیخ عارف - قدس سرہ -
- ۳۸۲ شاہ داود - قدس اللہ سرہ -
- ۳۸۳ شاہ نور - قدس سرہ -
- ۳۸۵ شیخ سعد الدین خیر آبادی - قدس اللہ تعالیٰ سرہ -
- ۳۸۶ شاہ سیدو - قدس سرہ -
- ۳۸۷ راجی حامد شہ - قدس اللہ سرہ -
- ۳۸۸ راجی سید نور - قدس اللہ سرہ -
- ۳۸۸ شیخ حسن طاہر - قدس اللہ سرہ -
- ۳۹۲ مولانا الہ داد - قدس سرہ -
- ۳۹۳ شیخ معروف جونپوری - قدس اللہ سرہ -
- ۳۹۳ شیخ بہاء الدین جونپوری - قدس اللہ سرہ -
- ۳۹۴ شیخ بہاء الدین - قدس اللہ سرہ -
- ۳۹۹ شیخ بدھن شطاری - قدس سرہ -
- ۳۹۹ مخدوم مولانا عماد الدین غوری - قدس اللہ سرہ -
- ۴۰۱ شیخ علم الدین حاجی - رحمۃ اللہ علیہ -

- مخدوم، شيخ محمد الحسيني الجيلاني الاجي - رحمة الله عليه ٤٠١
- مخدوم، شيخ عبدالقادر - رحمة الله عليه ٤٠٣
- شيخ عبدالرزاق - رحمة الله عليه ٤٠٩
- سيد زين العابدين - رحمة الله عليه ٤٠٩
- مخدوم شيخ حامد - رحمة الله عليه ٤١٠
- شيخ داود - رحمة الله عليه ٤١١
- مير سيد اسماعيل - رحمة الله عليه ٤١٣
- شاه قميص - رحمة الله عليه ٤١٤
- مولانا سماء الدين - رحمة الله عليه ٤٢٠
- شيخ عبداللہ بياپاني - رحمة الله عليه ٤٢٤
- سيد كبير الدين حسن - رحمة الله عليه ٤٢٥
- شيخ حسام الدين متقي ملتاني - رحمة الله عليه ٤٢٥
- شاه عبداللہ قريشي - رحمة الله عليه ٤٢٧
- شيخ حاجي عبدالوهاب بخاري - رحمة الله عليه ٤٢٩
- شاه جلال شيرازي - قدس الله تعالى عليه ٤٤١
- شاه احمد شرعي ترك - قدس الله تعالى سره ٤٤٢
- شيخ سليمان - رحمة الله عليه ٤٤٤
- شيخ عبدالقدوس - قدس الله سره ٤٤٥
- شيخ امجد دهلوي - قدس سره ٤٥٠
- شيخ ادهن دهلوي - قدس سره ٤٥٠
- شيخ يوسف قتال - قدس سره ٤٥١
- مولانا شعيب - قدس سره ٤٥٢
- ملك زين الدين و وزير الدين - قدس الله سرهما ٤٥٣
- شيخ جمالي - قدس سره ٤٥٦
- سيد شاه ميرك - قدس الله سره ٤٥٩
- سيد حسين پاي مناري - قدس سره ٤٦٠

- ۴۶۱ شیخ یوسف چریاکوتی - قدس سرہ -
- ۴۶۱ شیخ خانوگوالیری - قدس سرہ -
- ۴۶۲ شیخ علاءالدین - رحمة الله عليه -
- ۴۶۳ سید سلطان بهرائچی - قدس سرہ -
- ۴۶۴ سید علاءالدین - قدس سرہ -
- ۴۶۵ سید علی بن قوام - رحمة الله عليه -
- ۴۶۶ شیخ ادھن جونپوری - قدس سرہ -
- ۴۶۷ میان قاضی خان ظفرآبادی [قدس سرہ] -
- ۴۶۹ شیخ محمد مودود لاری - قدس الله تعالى سرہ -
- ۴۷۰ شیخ محمد حسن - رحمة الله عليه -
- ۴۷۴ شاہ عبدالرزاق جہنجهانہ - قدس سرہ -
- ۴۸۴ شیخ امان پانی پتی [رحمة الله عليه] -
- ۴۸۷ شیخ تاج الدین بن زکریا اجودھنی - قدس سرہ -
- ۴۸۸ شیخ سیف الدین - رحمة الله عليه -
- ۵۰۰ سلطان جلال الدین قریشی - رحمة الله عليه -
- ۵۰۳ میر سید ابراہیم - رحمة الله عليه -
- ۵۰۴ سید رفیع الدین صفوی - رحمة الله عليه -
- ۵۰۶ شیخ بہاء الدین مفتی آگرہ - رحمة الله عليه -
- ۵۰۶ شیخ حاجی حمید - رحمة الله عليه -
- ۵۰۷ میر سید عبدالوہاب - رحمة الله عليه -
- ۵۰۸ میر سید عبدالاول - رحمة الله عليه -
- ۵۰۹ نقل از رسالہ معرفت نفس -
- ۵۱۶ شیخ علی بن حسام الدین - رحمة الله عليه -
- ۵۴۲ سیدی الشیخ عبدالوہاب المتقی القادری الشاذلی - رحمة الله عليه -
- ۵۵۷ شیخ عزیز متوکل - رحمة الله عليه -
- ۵۵۸ مخدوم جیوقادری - رحمة الله عليه -

- ۵۵۹ میان غیاث - رحمة الله عليه -
- ۵۵۹ میان محمد طاهر - رحمة الله عليه -
- ۵۶۰ شیخ عبداللہ و شیخ رحمت اللہ - رحمة الله عليهما -
- ۵۶۱ شیخ حسین - رحمة الله عليه -
- ۵۶۳ شیخ عبدالعزيز بن حسن طاهر - رحمة الله عليه -
- ۵۶۵ شیخ جنید حصارى - رحمة الله عليه -
- ۵۶۵ میان نجم الدین مندوی - رحمة الله عليه -
- ۵۶۶ شیخ برهان کالپی - رحمة الله عليه -
- ۵۶۶ شیخ سلیم بن بهاء الدین - رحمة الله عليه -
- ۵۶۸ شیخ نظام الدین انبیهی - رحمة الله عليه -
- ۵۶۹ شیخ جلال الدین قنوجی المشهور به للا - رحمة الله عليه -
- ۵۶۹ شیخ جلال الدین تھانیسری الکابلی - رحمة الله عليه -
- ۵۷۰ شیخ اسحق - رحمة الله عليه -
- ۵۷۱ شیخ عبدالغفور مانو - رحمة الله عليه -
- ۵۷۲ مولانا درویش محمد واعظ - رحمة الله عليه -
- ۵۷۳ مولانا بحثی - رحمة الله عليه -
- ۵۷۴ ذکر بعضی مجاذیب بی ملاحظہ تقدّم و تأخر
- ۵۷۴ شاہ ابوالغیب بخاری - رحمة الله عليه -
- ۵۷۵ میان معروف - رحمة الله عليه -
- ۵۷۵ شیخ علاء الدین مجذوب - رحمة الله عليه -
- ۵۷۷ مسعود نخاسی - قدس سرہ -
- ۵۷۸ شیخ حسن مجذوب - قدس سرہ -
- ۵۷۸ شیخ حسن بودله دهلوی - قدس سرہ -
- ۵۷۹ شیخ عبداللہ ابدال دهلوی - رحمة الله عليه -
- ۵۸۰ میان مونگر - قدس سرہ -
- ۵۸۱ بابا کپور مجذوب - رحمة الله عليه -

۵۸۱ میان باین مجذوب - قدس سره -
۵۸۳ آله دین مجذوب - قدس سره -
۵۸۵ شاه منصور - قدس سره -
۵۸۶ شیخ یوسف - قدس سره -
۵۸۷ سوبهن مجذوب - قدس سره -
۵۸۸ ذکر بعضی از نسای صالحات
۵۸۸ بی بی ساره - رحمة الله علیها -
۵۸۸ بی بی فاطمه سام - رحمة الله علیها -
۵۹۱ والدۀ شیخ فریدالدین گنج شکر - رحمة الله علیهما -
۵۹۲ بی بی زلیخا - رحمة الله علیها -
۵۹۴ بی بی اولیا - رحمة الله علیها -
۵۹۵ تکمله
۵۹۵ بیان اجداد حضرت شیخ محدث - رحمة الله علیه -
۶۴۹ فهرست اشخاص
۶۶۸ فهرست اماکن
۶۷۵ فهرست کتب
۶۷۹ منابع و مآخذ

عبدالحق محدث دهلوی زندگی و تحصیل

شیخ عبدالحق محدث دهلوی از معروف ترین عالمان زمان خود بوده است. شیخ دهلوی درباره اجداد خود می نویسد که آقا محمد ترک جد امجد او بود، در زمان سلطان علاءالدین خلجی (۱۲۹۶ - ۱۳۱۶ م) از بخارا به دهلی هجرت کرده بود و علت مهاجرت محمد ترک، تاخت و تاز ترکان در قرن سیزدهم میلادی / هفتم هجری قمری در آسیای مرکزی بود. عبدالحق در اخبارالاخیار این واقعه را چنین توضیح داده است: «جماعت کثیر از اتراک که پیوند قرابت و رابطه بیعت و خدمت به وی داشتند نیز، از وطن اصلی انتقال نموده در ملازمت او در این دیار رسیده.^۱»

سلطان علاءالدین خلجی از آقا محمد ترک حمایت کرد و مقامی بلند به او بخشید و او را برای تسخیر گجرات فرستاد. وی گجرات را فتح کرد و به امر سلطان، آنجا را اقامتگاه خود ساخت. او صد و یک پسر داشت که همه فوت کردند و تنها پسری که نامش ملک معزالدین بود، زنده ماند. آقا محمد ترک گجرات را ترک گفت و به دهلی تشریف آورد و در همین شهر در سال ۷۳۸ هجری / ۱۳۳۸ م. فوت کرد و پشت عیدگاه شمسی به خاک سپرده شد. نسل آقا محمد ترک با ملک معزالدین ادامه پیدا کرد و از ملک موسی، شیخ فیروز، شیخ سعدالله، شیخ رزق الله مشتاقی^۲، تا شیخ سیف الدین که پدر شیخ عبدالحق بود، رسید. شیخ عبدالحق درباره مرتبه و مقام والد و عم خود

۱. اخبارالاخیار، ص ۲۸۹.

۲. شیخ رزق الله مشتاقی، شاعر معروف فارسی بود. او در فارسی مشتاقی و در سانسکریت نجن تخلص می کرد.

می نویسد: «مردم این شهر اتفاق دارند که دهلی عبارت از این برادران بود.^۱»
 شیخ محدث از خانواده علما و اهل الله بود، و شیخ سیف الدین، پدر شیخ عبدالحق
 دهلوی در سال ۹۲۰ هجری / ۱۵۱۵-۱۵۱۴ م. در دهلی متولد شد. سیف الدین مرید
 شیخ امان الله پانی پتی بود و شیخ امان الله پانی پتی را پیر کامل و خضر طریقت می گفت.^۲
 به مناسبت اسم خود سیفی تخلص می کرد. عبدالحق نوشته است که والد او شیخ
 سیف الدین مثنوی در پانصد بیت را تنها در یک شب سرود.^۳ سیف الدین در ۲۷ شعبان
 سال ۹۹۰ هجری / ۱۵۸۲ م. از دار فانی رحلت فرمود. شیخ عبدالحق در سال ۹۵۷
 هجری / ۱۵۵۱ م. در عهد سلطنت اسلام شاه سوری (زمان اوج نهضت مهدوی) در
 دهلی متولد شد.

مرحوم پروفیسور خلیق احمد نظامی در حیات شیخ عبدالحق محدث دهلوی^۴ نوشته
 است: «تسلیم شاه، شیخ علائی، مخدوم الملک عبد الله سلطان پوری و شیخ بدها فقط
 چهار اسم نبودند، بلکه چهار عنصر نهضت بودند که نقش مهمی در سال های بعد در
 ساختن و بیداری محیط اجتماعی و دینی در هند را ایفا کرده اند.»

عبدالحق تحصیلات مقدماتی را نزد والد خود فراگرفت و قرآن و بوستان سعدی و
 دیوان حافظ را تمام کرد. هجده ساله بود که علوم عقلی و نقلی را به پایان رسانید.
 عبدالحمید لاهوری در پادشاه نامه نوشته است: «شیخ عبدالحق بعد از تکمیل علوم عقلی
 و نقلی به تدریس اشتغال ورزید.»^۵ عبدالحق در سال ۹۹۵-۹۹۶ ه. / ۱۵۸۷ م. به
 حرمین شریفین سفر کرد و چون جلال الدین محمد اکبر پادشاه غازی در سال
 ۹۸۲-۹۸۳ هجری / ۱۵۷۵ م. عبادت خانه را بنا کرد، به نظر شیخ عبدالحق، اکبر شاه
 این عبادت خانه را برای بازی با دین اسلام بنا کرده بود و اموری که مربوط به

۱. اخبارالاکابر فی الاسرارالاکابر، ص ۲۹۱.

۲. والد را به عنایت مخصوص ساخت و خرقة خلافت پوشانید و مثال خلافت تا چندروز به خط
 خاص خود مسوده کرد - همان مأخذ.

۳. «می فرمود که آن به غلبه شوق در یک روز گفته شده است و باز هرگز بر آن عبور نیفتاده» -
 همان مأخذ، همان جا.

۴. حیات شیخ عبدالحق محدث دهلوی، پروفیسور خلیق احمد نظامی، مطبع پونین، دهلی، مه
 ۱۹۶۴ م.

۵. پادشاه نامه، ص ۲۴۲-۲۴۱.

عبادت‌خانه بود، از نظر شیخ عبدالحق اهمیتی نداشت، پس عبدالحق به مکه رفت و در ماه رمضان سال ۹۹۵ هجری / ۱۵۸۷ م. به آنجا رسید و به قول خود او حدیث، تصوّف، فقه حنفی و حقوق را از استاد و پیر کاملش شیخ عبدالوهاب متقی فراگرفت.^۱ در دوران اقامت در مدینه منوره، چهاربار به زیارت روضه رسول خدا مشرف گردید و قصیده‌ای هم در آنجا خواند که مطلع آن این است:^۲

بیا ای دل دمی از هستی خود ترکِ دعوی کن

می‌فکن چشم بر صورت نظر در عین معنی کن

عبدالحق در سال ۱۵۹۱ م. به هند بازگشت و مدرسه اسلامی را در دهلی به راه انداخت، مثلاً عبدالقادر بدایونی نوشته است:^۳ «شیخ عبدالحق محدث دهلوی در تصوّف مرتبه بلند دارد.» اسم کامل شیخ در فهرست نسخ خطی چنین آمده است: «عبدالحق بن سیف الدین الدهلوی وطناً البخاری، اصلاً الترکی، نسبتاً الحنفی، مذهباً الصوفی و مشرباً القادری طریقه.»^۴

در طول حیات شیخ هشت سلطان بر تخت سلطنت دهلی نشستند، ولی شیخ فقط اکبر، جهانگیر و شاهجهان را در زندگی از نزدیک دیده بود و در زمان سلطنت اکبر پادشاه هرگز به دربار نمی‌رفت و در زمان جهانگیر برای فروغ دادن به قیام دین به دربار رفته بود. توکل شیخ، جهانگیر را تحت تأثیر قرار داد و مطیع شیخ گشت.^۵ به همین علت، جهانگیر به دست خود روستایی به نام «بکروالا» را به شیخ عبدالحق جاگیر داد. شیخ حدوداً نود و چهار سال زندگی کرد و در سال ۱۰۵۴-۱۰۵۵ هـ / ۱۶۵۴ م. فوت کرد. پسرش، شیخ نورالحق^۶ که خود عالم دین بود، نماز میت را به جا آورد و او را طبق وصیت خودش، در کنار حوض شمسی به خاک سپرد.

در زمان شیخ در دهلی کتابخانه عمومی نبود، اشخاصی که به تصنیف و تألیف و

۱. اخبارالاکابر، صص ۲۶۴-۲۶۳.

۲. همان مأخذ، ص ۳۲۷.

۳. منتخب التواریخ، ص ۶۲۴.

۴. فهرست نسخ خطی فارسی، موزه بریتانیا، چارلز ریو، ج ۱، شماره: Or 1107.

۵. اخبارالاکابر، ص ۱۵۰.

۶. پس از رحلت آن جناب نورالحق، خلف الصدقش که در علم و فضل شهره آفاق بود، مدت مدید صدرآرا مدرسه استفاده گشت. عمل صالح، ص ۳۸۵.

تدریس مشغول بودند، خود کتابخانه شخصی داشتند. عبدالحق هم کتابخانه شخصی داشت و دارای کتاب‌های زیادی بود و آثار متعددی درباره معارف اسلامی داشت. ولی متأسفانه کتابخانه او در حملات مرهت‌ها و جات‌ها به دهلی در قرن هجدهم میلادی بر باد رفت.^۱

از جمله معاصران شیخ می‌توان از ده نفر که دوست صمیمی او بودند، نام برد:
 ۱. شیخ احمد سرهندی، معروف به مجدد الف ثانی، یکی از بزرگان زمان خود بوده است و ابتدا بین شیخ عبدالحق محدث دهلوی و مجدد الف ثانی اختلافی پیدا شد ولی این اختلاف دیری نپایید و هر دو، دست ارادت به خواجه باقی بالله دادند.

۲. شاه ابوالمعالی قادری، برادرزاده شیخ داود کرمانی شیرگرهی، داماد و خلیفه اوست. مثلاً عبدالقادر بدایونی در جلد سوم منتخب التواریخ می‌نویسد: «در چاپک‌رویی یگانه زمانه و در حالات و مقامات فقر و فنانشانه، اگر ذکر موافقان رود نام او اوفق، اگر نام سابقان در میان آید، ذکر او اسبق.»^۲ تألیفاتی به نام تحفه قادریه، نغمات داودی، مونس جان، زعفران زار، گلدسته باغ ارم و غیره دارد. شعر هم سروده است و تخلص او غربتی بوده است.

۳. مولانا محمد غوثی بن حسن بن موسی شطاری، صاحب گلزارابرار در سنه ۹۶۳ هجری چشم به جهان گشود. او به سید محمد غوث گوالیاری شطاری بیعت و در تذکره خودش شیخ عبدالحق را دوست خود یاد کرده است.

۴. شیخ ابوالفیض فیضی عالم دین و شاعر ممتاز زمان اکبرشاه بوده است. راجع به انشاپردازی او، محمدحسین آزاد نوشته است که: «انشاپردازی فیضی قلم او را سجده می‌کند.»^۳ فیضی تفسیری بی‌نقطه برای قرآن مجید تألیف کرده و آن را سواطع الالهام نامیده است، شیخ عبدالحق قبل از رفتن حجاز در فتح‌پور سیکری با فیضی صحبت‌ها داشته بود.

۵. میرزا نظام‌الدین احمد بخشی، مؤلف تاریخ اکبرشاهی یا طبقات اکبری و امیر پنج هزار بود. او را بهترین مورخ دوره اکبرشاه شمرده‌اند. قبل از عزیمت به حجاز، شیخ

۱. حیات شیخ عبدالحق محدث دهلوی، ص ۱۰۵.

۲. منتخب التواریخ، ص ۱۰۲.

۳. دربار اکبری، ص ۳۷۱.

عبدالحق در احمدآباد مهمان او بود، و با هم دوستی داشتند.

۶. مثلاً عبدالقادر بدیوانی، مؤلف منتخب التواریخ، یکی از معروف‌ترین مورخان دورهٔ اکبرشاه بود. عربی، فارسی و سانسکریت را خوب می‌دانست و در دارالترجمه اکبرشاه مأمور تصنیف و تألیف و ترجمه بود. آنها با هم در فتح‌پور سیکری صحبت داشتند و دوست صمیمی بودند.

۷. عبدالرحیم خان خانان، پسر بیرم خان، در علم و فضل و در شجاعت و شهامت نابغهٔ روزگار بود و عالم زمان خود محسوب می‌شد. در مآثرالامرا آمده است: «خان خانان در قابلیت و استعداد یکنای روزگار بود و او عربی و فارسی و ترکی و هندی روان داشت. شعر خوب می‌فهمید و می‌گفت و رحیم تخلص می‌کرد. گویند که به اکثر زبان‌ها که در عالم رایج است حرف می‌زد.^۱» شیخ عبدالحق محدث دهلوی و عبدالرحیم خان خانان با هم دوست بوده‌اند.

۸. عبدالله نیازی، خلیفهٔ شیخ سلیم چشتی، یکی از معروف‌ترین مشایخ وقت بود. در آخر عمر تحت تأثیر سید محمد مهدی جون‌پوری مهدوی قرار گرفت. شیخ عبدالحق او را دوست داشت و نامه‌ای در المکاتیب خطاب به او نقل کرده است.

۹. نواب مرتضیٰ خان شیخ فرید، از اکابر و اعیان سلطنت دورهٔ مغول بود و در زمان حکومت جهانگیر او را والی گجرات تعیین کردند. مرتضیٰ خان قلب حساس و مغز بیداری داشت و علما و مشایخ وقت به او عقیدت فراوانی داشتند. حضرت مجدد الف ثانی در نهضت خود او را دست راست خویش تعیین کرده بود. خواجه باقی بالله در ترویج سلسلهٔ نقشبندیه از او کمک خواسته بود و شیخ عبدالحق، برای احیای سنت و شریعت، از او استفاده کرده و او را دوست و رفیق خود خوانده است.

۱۰. میر سید طیب بلگرامی، پسر میر سید عبدالواحد بلگرامی، در علم و فضل و در زهد و ورع یگانهٔ روزگار خود بود. میر غلامعلی آزاد بلگرامی در مآثرالکرام دربارهٔ او نوشته است: «وی ذات مقدسی است که اگر تقلین به او ناز کنند، می‌زبید و اگر زمین و زمان بر خود بالند می‌شاید.^۲»

میر سید طیب تدریس می‌کرد و بر هدایه و تفسیر یبضاوی حاشیه‌های عالمانه نگاشته

۱. مآثرالامرا، ج ۲، ص ۷۰۹.

۲. مآثرالامرا، ص ۴۷.

بود. شیخ عبدالحق محدّث او را محترم می‌داشت و آزاد بلگرامی روابط شیخ عبدالحق و میرسید طیب را در مآثرالکرام چنین آورده است: «در میان شیخ عبدالحق دهلوی قدس سره و حضرت میر محبتی و مودّتی عظیم بود، شیخ عبدالحق به رعایت بزرگی او را شیخ طیب می‌گفت.^۱»

فرزندان شیخ عبدالحق:

عبدالحق سه پسر داشت: شیخ نورالحق، شیخ علی محمّد و شیخ محمّد هاشم. شیخ نورالحق بزرگ‌ترین فرزند وی بود، بعد از وفات پدر بر مسند ارشاد نشست و شیخ عبدالحق در زندگی خود شیخ نورالحق را «وجود ثانی خود» خوانده بود، شیخ نورالحق در علم و فضل ممتاز بود و شعر هم می‌سرود و تخلصش مشرقی بود، این بیت از اوست:

با آن که مشرقی همه تن دیده چون گل است

با هیچ کس چو چشم حباب آشنا نبود

شاهجهان پادشاه تیموری هند باغی به وسعت سی و یک بیگه موسوم به «کوشک» به شیخ مذکور داده بود، شیخ نورالحق قریب نود سال زندگی کرد و پسری داشت که نامش شیخ نورالله بود و این شیخ نورالله چهار پسر داشت که یکی از فرزندانش، محمّد فخرالدین، عالم حدیث بود و او یک پسر داشت که اسمش شیخ الاسلام صدرالصدور دهلوی بوده است، پسر او شیخ سلام الله هم دو پسر به نام‌های شیخ نورالاسلام و شیخ محمّد سالم داشت. شیخ نورالاسلام مدّت کوتاهی در رامپور مفتی بود، اما بعد از نورالاسلام و مولانا محمّد سالم روایت حدیث و تدریس معارف اسلامی به زوال گرایید. سرانجام مولانا انوارالحق حقّی و مولانا برکت علی حقّی، دو بزرگ از این خانواده، باقی ماندند که بر کارنامه افتخارات اسلام افزودند و تصانیف و کتاب‌های شیخ را حفظ داشتند و منتشر کردند.

معاصران شیخ عبدالحق محدّث دهلوی او را «اسدالعلماء» خطاب می‌کردند. ولی علمای قشری که در حیات شیخ، در فسق و فجور و الحاد و زندقه روزگار می‌گذراندند و این کج‌روی را تصوّف می‌خواندند، با او به مخالفت برخاستند و اکبر پادشاه در سال

۱۵۸۲ م. دین الهی را به نام دین نو خوانده و عهدنامه‌ای که برای ورود در دین الهی تعیین کرده بود، نوشته بود:

«من که فلان بن فلان باشم به طوع و رغبت و شوق قلبی از دین اسلام مجازی و تقلیدی که از پدران دیده و شنیده بودم، ابرا و تبراً نمودم و در دین الهی اکبرشاهی در آمدم و مراتب چهارگانه اخلاص که ترک مال و جان و ناموس و دین باشد، قبول کردم.»^۱

جلال‌الدین محمد اکبر پادشاه در سال ۱۵۸۲ م. به ملا مبارک ناگوری امر کرده بود که محضرنامه برای پادشاه تهیه کند و در محضرنامه ملا مبارک ناگوری پادشاه را حق اجتهاد هم داده بود که مرحوم پروفیسور خلیق احمد نظامی در حیات شیخ عبدالحق محدث دهلوی، به نقل شیخ نورالحق نوشته است که در سال ۱۵۷۸ م. اکبر مذهب اسلام را ترک گفت.

آثار شیخ عبدالحق محدث دهلوی

تعداد آثار شیخ عبدالحق محدث دهلوی نزدیک به شصت است و آن آثار را می‌توان به شرح زیر نام برد:

۱. تفسیر: ۳ اثر

الف) تعلیق الحاوی علی تفسیر البیضاوی

ب) شرح صدور تفسیر آیت‌النور

ج) تحصیل الغنائم و البرکات به تفسیر سورة والعادیات

۲. تجوید: ۲ اثر

الف) درة الفرید فی قواعد التجوید

ب) شرح القصیده الجزریه

٣. حديث: ١٣ اثر

- (الف) اشعة اللمعات في شرح المشكوة
 (ب) لمعات التنقيح في شرح مشكوة المصاييح
 (ج) ترجمة الاحاديث الاربعين في نصيحة الملوك والسلاطين
 (د) جامع البركات منتخب شرح المشكوة
 (هـ) جمع الاحاديث الاربعين في ابواب علوم الدين
 (و) رسالة اقسام الحديث
 (ز) ما ثبت بالسنة في ايام السنة
 (ح) رساله شب برات
 (ط) الاكمال في اسماء الرجال
 (ي) شرح سفر السعادت
 (ك) اسماء الرجال و الروات المذكورين في كتاب المشكوة
 (ل) تحقيق الاشاره في تميم البشاره
 (م) ترجمة مكتوب النبي الاهل في تغزية ولد معاذ بن جبل

٤. عقايد: يك اثر

- (الف) تكميل الايمان و تقوية الايقان

٥. فقه: ٣ اثر

- (الف) فتح المنان في تأييد النعمان
 (ب) الفوائد
 (ج) هداية الناسك الى طريق المناسك

٦. تصوف: ٩ اثر

- (الف) تنبيه العارف بما وقع في العوارف
 (ب) تحصيل التعرف في معرفة الفقه والتصوف
 (ج) شرح فتوح الغيب

(د) ترجمہ غنیۃ الطالبین

(ه) توصیل المرید الی المراد ببيان الاحزاب والاوراد

(و) مرج البحرین فی الجمع بین الطریقین

(ز) نکات الحق والحقیقة من باب معارف الطریقة

(ح) جواب بعضی کلمات شیخ احمد سرہندی

(ط) رسالہ وجودیہ

۷. اخلاق: ۵ اثر

(الف) آداب الصالحین

(ب) آداب اللباس

(ج) آداب المطالعة و المناظرہ

(د) رسالہ نورانیۃ سلطانیہ

(ه) تسلیۃ المصاب لنیل الاجر والثواب



۸. اعمال و اوراد: ۵ اثر

(الف) ترغیب اہل السعادات علی تکثیر الصلوۃ علی سید الکائنات

(ب) اجوبۃ الاثنا عشر فی توجیہ الصلوۃ علی سید البشر

(ج) رسالہ عقدانامل

(د) مطلب الاعلیٰ فی شرح اسماء الحسنی

(ه) رسالہ وظایف

۹. فلسفہ و منطق: ۳ اثر

(الف) بنا المرفوع فی ترصیص مباحث الموضوع

(ب) درۃ البہیۃ فی اختصار الرسالۃ الشمسیہ

(ج) شرح شمسیہ

۱۰. تاریخ: ۲ اثر

الف) جذب القلوب الی دیارالمحبوب (تاریخ مدینه)

ب) ذکر ملوک (تاریخ حق)

۱۱. نحو، ۲ اثر

الف) حاشیه الفوائد الضیائیة

ب) افکارالصافیة فی ترجمة کتاب الکافیة

۱۲. دست نوشت، ۴ اثر

الف) اجازت الحدیث فی القدیمة والحديث

ب) تألیف قلب الالیف فی ذکر فهرس التوالیف (۹)

ج) زاد المتقین فی سلوک طریق الیقین

د) وصیت نامه



مرکز تحقیقات و نشر مخطوطات

۱۳. خطبات، یک اثر

الف) فصول الخطب لنیل اعلی الرتب

۱۴. مکاتیب، ۲ اثر

الف) کتاب المکاتیب والرسائل

ب) صحیفة المودة

۱۵. اشعار

شیخ عبدالحق محدث دهلوی شاعر هم بوده وحقّی تخلص می کرد. وی دیوان ندارد،

ولی ابیات متفرقة وی در کتاب های خود او و دیگر تألیفات به صورت شعر و جدا از هم

درج شده است، اشعار متفرق وی را می توان به شرح زیر ردیف کرد:

- ۱- حقی از گوشهٔ دهلی نهنم پایرون
خود گرفتیم که ملکِ گجراتم دادند
- ۲- به هر جوری که آن مه می‌کند از جام رو حقی
که دلدار مرا شاید که مقصود امتحان باشد
- ۳- حَقّا بیان شوق به پایان نمی‌رسد
کو تاه ساز قصّهٔ دور و دراز را
- ۴- رنگِ حناست بر کف پای مبارکت
یا خون عاشقست که پامال کرده‌ای؟
- ۵- چنان در غیرتم از تو که گر چشم‌ترا بیند
پیشان کردم و خواهم آن چشم تو من باشم
- ۶- آخر به دور تو شکرستان شود جهان
ریزد بدین صفت چو شکر از دهان تو
خوش داری ای رقیب به «حقی» گمان وصل
یا رب همیشه راست بود این گمان تو
- ۷- ز دیده تیز نگاهش گذشت و در دل خورد
بلای دیده نگه گُن که بر دل افتاده‌ست
شهید عشق می‌پندار خفته در خاک است
که چشم بسته و بر یاد قاتل افتاده‌ست
- ۸- بر رخس زلف پُرشکن بیند
سنبل افتاده بر سمن بیند
در گرفت از رخس به گل آتش
آتش افتاده در چمن بیند
تن او در درون پیراهن
همچو جان در درون تن بیند

۹- آن ترک مردم کش مگر بهر تماشا می رود

شهری همه شد صید او اکنون به صحرا می رود

در دیدن آن عشوه گر طاقت کجا دارد بشر

سویش ملک بینداگر اونیز از جامی رود

۱۰- قامتش در جلوه آمد طاقتم بر باد رفت

نرگش در خواب رفت و فتنه را بیدار کرد

حال حقّی بر تو کی ظاهر شود زیرا که وی

حالتی دارد که نتواند به خود اظهار کرد

۱۱- شب فراق که از هجر یار می گریم

بـهانه درد کسبم زار می گریم

به هر کجا که بود ماتی روم آن جا

بدین بهانه ز هجر نگار می گریم

مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

۱۶. سیر و تذکره: ۷ اثر

(الف) مدارج النبوة (سیرت)

(ب) مطلع الانوار البهية في الحلیلة النبویة (سیرت)

(ج) زبدة الآثار منتخب بهجة الاسرار (تذکره)

(د) احوال ائمة اثنا عشر خلاصة اولاد سيد البشر (تذکره)

(ه) انوار الجلیلة في احوال مشايخ الشاذلیه (تذکره)

(و) ترجمه زبدة الآثار (تذکره)

(ز) اخبارالاخيار في اسرار الابرار (تذکره) که ذیلاً درباره آن توضیح لازم داده خواهد

شد:

ویژگی‌های سبکی و دستوری اخبارالاخیار فی اسرارالابرار

اخبارالاخیار فی اسرارالابرار یکی از معتبرترین تذکرة‌های صوفیانه در هند است. نکته قابل ذکر آنست که در مورد این کتاب می‌توان اظهار داشت این است که اخبارالاخیار دارای ویژگی‌های سبکی و دستوری خاصی به قرار ذیل می‌باشد:

۱- سبک اخبارالاخیار به شیوة گلستان سعدی است - گرچه ممکن است همه کتاب به این شیوه نباشد اما با مطالعه در صفحات آغازین می‌توان این شیوه را کاملاً احساس کرد، نظیر «اول نعمت‌ها، نعمت وجود است و سایر نعم بعد از وی مشهود و نعمت وجود دایم و دوام نعمت را دوام شکر لازم».

با مطالعه همین سطر می‌توان نتیجه گرفت که نویسنده تا چه حد از سعدی پیروی کرده است و حتی کوشیده تا آخر عبارات را همچون گلستان به صورت مسجع و آهنگین بیاورد. بنابراین کاملاً مشهود است که این کتاب به سبک عراقی می‌باشد و آن هم به سبک پیچیده نه معتدل.

۲- املائی اخبارالاخیار به طرز و روش نثر متداول عهد میانه هند است و نگارش آن هم با املائی معاصر تفاوت دارد و خطاهایی در آن راه یافته است. چند نمونه می‌توان داد: «خورمی به جای خرمی، توریت به جای تورات، جماعه به جای جماعت، بلک به جای بلکه، سیوم به جای سوم و هبوت به جای هبوط».

۳- یکی از ویژگی‌های کتاب این است که دو ضمیر در کنار هم آمده است و حرف اضافه «را» به معنی «به» کار رفته است مانند: «وی ایشان را درین جهان بخیر ذکر می‌کند» «می در آمد».

۵- واژه «بعده» به جای «سپس» یا «پس» آمده است، مثل: «بعده گفتی مرا معذور دارید».

۶- آوردن «با» حرف اضافه، به جای «به» نظیر: «باز با حق مشغول شدی» یعنی «به حق».

۷- یکی از ویژگی‌ها آن است که در بیشتر موارد فعل در وسط جمله می‌آید، مانند: «خواجه را بقالی بود همسایه».

۸- یکی از ویژگی‌های عمده متن از لحاظ دستوری آن است که در بسیاری موارد فعل‌ها را به صورت ماضی استمراری می‌آورد. مثل: «شدی، بگفتندی، گفتی، بمردی، خبر نشدی، کردی و رسیدی و غیره.

۹- آوردن صفت و موصوف با فاصله است، نظیر: «خواست، خواست مولی است تعالی» که تعالی صفت مولی است و یا «حق را سبحانه و تعالی».

۱۰- دو فعل در یک عبارت فعلی مانند: «عرضه داشت کرد».

۱۱- آوردن فعل متروک مثل: «کیانند؟» به معنای «چه کسانی هستند».

۱۲- عبارات را با سجع نیز بیان کرده است، نظیر: «هر خزینه که خراب بود مأمور بود مخزون او مستور بماند و هر خزینه که خراب بود مخزون او بر سراب بود».

بین «خراب و سراب» سجع متوازی وجود دارد. نیز مانند: «هرکه راه وصال رود و لوح سینه از نقوش پاک نکند، او بیهوده می‌گوید و هرزه می‌پوید». بین «گوید و پوید» هم سجع متوازی موجود است. یا جای دیگر، مثل: «طلب آن نیست که بدو تازی، طلب آن است که وجود خود را در بازی» - این جا هم در متن بین «تازی و بازی» سجع متوازی است.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد

نظر شیخ عبدالحق درباره اخبارالاهیار:

دیدگاه محدث دهلوی در خصوص اخبارالاهیار و همچنین کمی اطلاعات مربوط به مشایخ و علما نکته قابل ذکری است که می‌توان بدان اشاره کرد.

«چون ذکر از مشایخ دیار عرب و عجم و کتب و صحایف ارباب معارف مسطور و مذکور است، چنان مخطوط خاطر فاطر شد که آنچه از اخبار و آثار ثبت آن در این اوراق اختیار افتد، بعد از ذکر حضرت پیر دستگیر شیخ العالم والغوث الاعظم والاحباب قطب الاقطاب غوث الثقلین شیخ محیی الدین ابومحمد عبدالقادر الحسین الجیلانی رضی الله عنه مخصوص این دیار باشد، یعنی دیار هندوستان که مقام خاص غربا و محبان و دوستان است، زیرا که اگرچه احوال بعضی از مشاهیر ایشان مسطور و مزبور شده ولیکن اخبار اکثری از مشایخ و علما و اتقیای دیگر که از زمان ابتدای فتح اسلام که زمان ظهور این کرام در این دیار است، در هر عصری و عهدی معروف و مشهور بودند، در کتابی معین مبین مسطور نیست، مگر در بعضی ملفوظات و رسائل بعضی از تقریبات و

و سائل مذکور شده...^۱

جای دیگر می‌گوید که قبل از نوشتن تذکره، خیلی از کتاب‌های صوفیانه و آثار ایشان را پیش خود جمع کرده بودم. می‌گوید:

«احوال اولیا و اصفیا و عرفا و مشایخ و بزرگان دین و مقتدایان ارباب یقین در کتب و رسائل و در ملفوظات مشایخ چشتیه و غیرهم در نظر آمده و از ثقات روایت که جانب صدق ایشان راجح بلکه متعین باشد، با استعمال نوعی از تفرّس و اعتبار و امتحان و اختیار که واجب وقت کاتبان تاریخ و مستمعان اخبار است، شنیده شده نوشته آمد و جماعت دیگر از علما و صلحا که به سمت امتیاز موسوم، به عفت اشتها معلوم بوده‌اند. خصوصاً از صلحای طبقه اسکندریه که زمان صلاح و تقوی و ورع و دیانت و صیانت بود و بسیاری از اکابر و علما از اطراف و اکناف عالم، از عرب و عجم در آن زمان تشریف آورده، در این دیار توطن فرمودند و جماعت دیگر نیز اگرچه بینشان ولایت و کرامت موسوم نبوده‌اند، لیکن ذکر ایشان در محافل و مجالس به خیریت می‌راند، شاید که بعضی تقریبات و مناسبات مذکور شده باشد.»^۲

یکی از ویژگی‌های عمده اخبارالاخیار این است که عبدالحق همه صوفیان را در مقام خاص اجتماعی‌شان معرفی می‌کند، ابهام‌گویی و مبالغه، طرز نگارش آن دوره بوده است. او از ذکر کشف و کرامات صوفیانه احتراز نموده است، اگر در تذکره او از کشف و کرامات سخن به میان آمده، مبنی بر استدلال است یا از باب عقیدت و ارادت آمده است. ترجمه روان از عربی به زبان فارسی مزیت دیگر شیخ است که خواننده تشخیص نمی‌دهد که عبارت از عربی ترجمه شده است، این ویژگی نمایانگر مهارت شیخ در ترجمه است. شیخ عباراتی مقفی و مسجع هم نوشته است ولی قدرت بیان، و روانی از نثر او هویدا است و اطالة کلام در اثر شیخ دیده نمی‌شود. به همین سبب اخبارالاخیار اعجاز شیخ است که همه تذکره به اختصار نوشته شده است. شیخ در تذکره خود می‌نویسد که بی ذوق چه نویسد که رونق سخن در ذوق است.

در آخر کتاب، شیخ تکمله‌ای نوشته و از جدّ خود آغاز کرده تا والد خودش ذکر نموده است، درباره والد بسیار جالب و واضح نوشته است. در خاتمه تذکره دعا کرده

۱. اخبارالاخیار، ص ۱۲.

۲. همان مأخذ، ص ۱۳.

است و در شأن محمد مصطفیٰ (ص) قصیده‌ای سروده است و قطعه‌ای تاریخی نیز ثبت کرده است:

طیب‌الله حق انفا سک بارک‌الله قوه و غنی
نام و تاریخ این کتاب عزیز گر کنی ذکر اولیا احسن

محتوای اخبارالاخیار

در اخبارالاخیار مشایخ وقت به اعتبار زمانه ایشان بر سه طبقه تقسیم شده‌اند:
طبقه اول: از خواجه معین‌الدین چشتی اجمیری تا شیخ فخرالدین، مشتمل بر بیست صوفی.

طبقه دوم: از بابا فریدالدین گنج شکر تا مولانا احمد حافظ، مشتمل بر چهل و سه صوفی.

طبقه سوم: از شیخ نصیرالدین چراغ دهلی تا مولانا احمد بخشی، مشتمل بر صد و نود و دو صوفی.

عبدالحق بعد از سه طبقه، چهارده مجذوب را ذکر کرده است که از شیخ ابوالغیب بخاری آغاز می‌کند و در سبحان مجذوب تمام می‌شود. در آخر از پنج خاتون هم که صالحه وقت بودند، ذکر شده است که از بی بی ساره آغاز می‌شود و با بی بی اولیا به پایان می‌رسد.

در چندین نسخه چاپ شده اخبارالاخیار، درباره مجد الف ثانی دو یا سه صفحه افزوده شده است، ولی پروفیسور خلیق احمد نظامی در کتاب خود حیات شیخ عبدالحق محدث دهلوی می‌نویسد که این صفحات به سبک مؤلف کتاب هیچ شباهت ندارد. در اثنای مطالعه اخبارالاخیار مسلم می‌شود که شیخ در این تذکره اصلاحاتی هم به عمل آورده است، به طور مثال در سال وفات شیخ الله داد که یکی از مریدان شیخ سعدالدین خیرآبادی بود، شیخ نوشته است: هم درین سال که نهصد و نود و سه است وفات یافت. بعد از نوشتن این عبارت شیخ عبدالحق به ملاقات با شیخ وجیه‌الدین علوی گجراتی اشاره کرده که در سال نهصد و نود و شش واقع شده بود. در تذکره مذکور شیخ درباره ولادت و وفات صوفیان و قبول مشایخ نوشته است.

در ذکر بعضی صوفیان شیخ عبدالحق نوشته است که «وفات او در سال سنه است.^۱» علتش آن است که شیخ عبدالحق سال قطعی وفات را پیدا نکرده و به این دلیل از نوشتن سال وفات اجتناب نموده است، همچنین شیخ اطلاعات غیرمستند را هم ضبط نکرده است. اسم کتاب‌های صوفیان را هم ذکر کرده و درباره آن کتب و رسائل توضیح داده است، چنان‌که درباره رساله «مفتاح الاسرار» که رساله مولانا سماء الدین است، توضیح داده و جایگاه آن کتاب در ادبیات را هم تعیین نموده است.^۲ شیخ در ذکر بعضی مشایخ به طریق ارادت و عقیدت، چند نکته منفی هم ثبت نموده است که سراسر احترام و مقام صوفیان را آشکار می‌کند. یکی از آن درباره شیخ محمد ترک نرنولی است که شیخ عبدالحق در تذکره خود آورده است.

جای دیگر در همین تذکره درباره شیخ تاج الدین شیرسوار مطالبی نقل کرده و می‌نویسد که:^۳

«مرید شیخ قطب الدین مَنُور هانسوی است که در کوهستانِ نرنول است. ریاضات شاقه کشید، کار خود به مجاهده به جایی رسانید که دام و دد مسخر او شدند و وحوش و طیور با او انس گرفتند. چنین می‌گویند که چون وی می‌خواست که به زیارت پیر خود به جانب هانسی برود، شیری را از بیشه می‌گرفت و بر روی موار می‌شد و ماری بر دست می‌کرد و متوجه مقام پیر می‌شد. چون نزدیک مقام پیر می‌رسید، شیر و مار را رها می‌کرد.»

شیخ عبدالحق در ذکر شیخ عبدالقادر جیلانی و شیخ موسی قدرت مهارت در نویسندگی را ابراز کرده و نیز درباره شیخ علی بن حسام الدین، تقریباً سیزده صفحه نوشته است و عقیدت و ارادت خود را به او نشان داده. درباره وفات او نوشته است که: «در وقت رحلت سر مبارک ایشان بر زانوی فقیر بود.» شیخ بینی به اردو را هم نقل کرده است:^۴

۱. درباره شیخ عبدالله شطاری نوشته است: «وفات او در سنه و قبر او درون قلعه مندو است.» اخبارالاخیار، ص ۱۶۷.
۲. «رساله‌ای دیگر دارد مُسمی به مفتاح الاسرار که اکثر آن بعینه منقول از رسائل شیخ عزیز نسفی است.» همان مأخذ، ص ۲۱۱.
۳. بعضی از صلحا آواز تلاوت قرآن از قبرهای ایشان شنیدند که به طریق دور می‌خواندند» همان مأخذ، ص ۴۸.
۴. اخبارالاخیار، ص ۱۴۹.

سُن سہیلی پرم کسی با تا بول مل رہی جیون دودہ نہاتا^۱
 شیخ در بعضی موارد به مسایل تاریخی و اسم شهر هم اشاره کرده است، برای مثال
 درباره اسم شهر ناگور نوشته است: ^۲ «اسم قدیم این شهر «نوانگر» بود ولی تُرکان اسم
 شهر را تبدیل کردند» و همین طور اسم برهان پور را به نام شیخ برهان الدین منسوب کرده
 است. نیز شیخ صوفی بدهنی و خواجه قطب الدین بر دست چنگیز خان اسیر گشتند و
 زندانی شدند^۳، اطلاعاتی که شیخ عبدالحق در لا به لای مطالب کتاب نقل کرده که اکثر
 مبنی بر حقایق است.

آثار و کتاب‌هایی که شیخ عبدالحق در تألیف اخبارالاخیار فی اسرارالابرار از آنها
 استفاده کرده است که همه آثار و صوفیانه و عرفانی هستند؛ به ترتیب زیر است:

- ۱- دلیل العارفین، ملفوظات خواجه معین الدین چشتی، گردآورده خواجه قطب الدین
 بختیار کاکی اوشی (مرید و وظیفه خواجه معین الدین چشتی)
- ۲- رساله برای بعضی مریدان، شیخ بهاء الدین زکریا ملتانی
- ۳- طوابع الشمس، قاضی حمید الدین ناگوری
- ۴- فوائد الفوائد، ملفوظات حضرت نظام الدین اولیا، امیر حسن بن علاء سجری دهلوی
- ۵- جوامع الکلم، ملفوظات سید محمد گیسو دراز (بنده نواز)
- ۶- هدایه، مولانا برهان الدین مرغینانی
- ۷- سیر الاولیا، سید امیر خورد کرمانی
- ۸- کنز الفوائد، ملفوظات شیخ صدر الدین، خواجه ضیاء الدین
- ۹- ملہمات، شیخ جمال الدین احمد هانسوی
- ۱۰- سرور الصدور، ملفوظات شیخ حمید الدین، شیخ فرید الدین گنج شکر
- ۱۱- طبقات ناصری، قاضی منهاج الدین بن سراج الدین
- ۱۲- تاریخ فیروز شاہی، ضیاء الدین برنی.
- ۱۳- خیر المجالس، ضیاء الدین برنی
- ۱۴- انوار المجالس، ملفوظات شیخ نصیر الدین محمود چراغ دہلی، حمید قلندر

۱. یعنی: دوستان سخن عشق را بشنوید، چنان بهم آمیخته است که گویی شیر و شکر است.

۲. همان مأخذ، ص ۲۷۲.

۳. اخبارالاخیار، ص ۲۶۵.

۱۵۔ تحفة الابرار و کرامة الاخبار، ملفوظات حضرت نظام الدین اولیا، خواجہ

عزیز الدین صوفی

۱۶۔ نصاب الاحتساب، خواجہ ضیاء الدین سنامی

۱۷۔ خزائنہ جلالی، ملفوظات سید جلال الدین

۱۸۔ شرح شمسہ، مولانا قطب الدین رازی

۱۹۔ بحر المعانی، دقائق المعانی، حقایق المعانی، رسالہ در بیان روح و رسالہ پنج

نکات، ہمہ تألیف سید محمد بن جعفر.

۲۰۔ رفیق العارفين، ملفوظات شیخ حسام الدین مانکپوری

۲۱۔ منهاج العابدین، امام غزالی

۲۲۔ ترجمہ منهاج العابدین، شیخ یوسف بدہ ایرجی

۲۳۔ تحفة المجالس، ملفوظات شیخ احمد کھتو: محمود بن سعید ایرجی

۲۴۔ رسالہ آداب السالکین، شیخ قاسم اودھی دہلوی

۲۵۔ مرآت العارفين، سید مسعود بک

۲۶۔ تفسیر رحمانی، (تفسیر قرآن مجید)، زوارف شرح عوارف، رسالہ جادۃ التوحید،

تألیف شیخ علی پیرو

۲۷۔ بحر مَوَاج (تفسیر قرآن مجید)، رسالہ مناقب السعادت، تألیف قاضی

شہاب الدین دولت آبادی

۲۸۔ کتاب دهن، شرح ضومصباح، شیخ کبیر

۲۹۔ نور النبی (تفسیر قرآن مجید)، خواجہ حسین ناگوری

۳۰۔ انوار العیون، شیخ عبدالقدوس

۳۱۔ شرح مصباح، شرح کافیہ، شرح رسالہ مکہ، ملفوظات شیخ مینا، تألیف شیخ

سعد الدین خیر آبادی

۳۲۔ رسالہ مفتاح الفیض، شیخ حسن طاہر

۳۳۔ رسالہ مفتاح الاسرار، (مکتوبات شیخ عزیز نسفی)، مولانا سماء الدین

۳۴۔ شرح گلشن راز، شاہ جلال شیرازی

۳۵۔ رسالہ اثبات الاحدیہ، شیخ امان اللہ پانی پتی

۳۶۔ رسالہ معراج نامہ، شیخ حاجی حمید

- ۳۷۔ نزہۃ الارواح، امیر حسینی ہروی
- ۳۸۔ لمعات، شیخ فخرالدین عراقی
- ۳۹۔ رسالۃ قدسیہ، شیخ عبدالقدوس
- ۴۰۔ لطائف المنان فی مناقب الشیخ، ابی العباس و علی الحسن، شیخ ابوالحسن
- ۴۱۔ مجمع البحار، رسالہ مغنی، اسماء الرجال، میان محمد طاهر
- ۴۲۔ فیض الباری (شرح صحیح البخاری)، ترجمۃ منظوم رسالۃ فرائض سراجی، سفر السعاده، میر سید عبدالاول۔



مرکز تحقیقات کتب و نشر علوم اسلامی

روش تصحیح کتاب:

اخبارالاخبار با مقابله سه نسخه خطی زیر فراهم شده است:

۱- نسخه «س» (نسخه اساس)

این نسخه در موزه و کتابخانه سالار جنگ حیدرآباد مضبوط است و دارای مشخصات ذیل:

سال کتاب: ۱۰۸۰ هجری قمری / ۱۶۶۹ میلادی، نام کاتب: محمد شریف،
اوراق: ۲۱۱ برگ، اندازه: $۱۰/۳ \times ۶/۳$ / ۲۶۰۲×۱۵۰۹ سانتی متر.
سطر: ۱۷، خط: نستعلیق خوانا، با عناوین سنگرف.

این نسخه ۲۸ سال بعد از وفات مؤلف کتابت شده است و قدیمترین و کاملترین نسخه اخبارالاخبار فی اسرارالابرار در هند محسوب می گردد. با توجه به قدمت و کامل بودن نسخه «س» این نسخه اساس تصحیح قرار گرفته است.

۲- نسخه «د» (نسخه کتابخانه دارالعلوم دیوبند)

این نسخه در کتابخانه دارالعلوم دیوبند، اترپرادش نگهداری می شود. و به نشانه «د» به آن اشاره شده است. نسخه دارالعلوم بنا به کتیبه در سال ۱۰۱۴ هجری قمری / ۱۶۰۵-۱۶۰۶ میلادی کتابت شده است و خط نستعلیق خوش و خوانا است.

این نسخه در زمان حیات مؤلف کتابت شده است و قدیمی ترین نسخه اخبارالاخبار در هند است. متأسفانه بنا به دلیل ناقص بودن، اساس قرار نگرفت ولی در مقایسه متن از این نسخه هم استفاده شده است.

۳- نسخه «ه» (نسخه کتابخانه هردیال، دهلی)

این نسخه در کتابخانه هردیال دهلی نگهداری می شود و در این کتاب با نشانه «ه» یاد شده است.

در آخر فهرست منابع و مآخذهای انگلیسی، فارسی وارد و ذکر شده و فهرست

سه گانه اسامی، جاها و کتاب‌ها هم ضمیمه شده است.

۱- مطبع محمدی، دهلی، ۱۲۸۳ هجری.

۲- مطبع مجتبائی، دهلی، ۱۳۰۹ هجری.

۳- مطبع مسلم، دهلی، ۱۳۸۲ هجری.

۴- مطبع مجتبائی، دهلی، ۱۳۲۲ هجری.

۵- مطبع رحیمیه، دیوبند، ۱۳۹۸ هجری.

فهرست نسخه‌های خطی اخبارالاخبار که در موزه‌ها و کتابخانه‌های هند و بیرون از هند وجود دارند، چنین است:

۱- موزه بریتانیا (چارلز ریو) ج ۱، شماره نسخه خطی Oy. 217. نستعلیق، سال ۱۲۶۰ هجری / ۱۸۴۴ م.

۲- کتابخانه مولانا آزاد، دانشگاه اسلامی علیگر، شماره نسخه خطی $\frac{۹۲۰}{۹۸}$ نستعلیق، سال ۱۱۶۸ هجری / ۱۷۵۴-۵ م.

۳- ایشیاتک سوسائتی، بنگال (کلکسیون کرزن شماره نسخه خطی ۲۵۸ (D - 20). نستعلیق، سال ۱۲۶۰ هجری / ۱۸۴۴ م.

۴- کتابخانه هر دیال، دهلی، شماره نسخه خطی ۳۶۳. نستعلیق، سال ۱۱۲۸ هجری / ۱۷۱۵-۱۷۱۶ م.

۵- موزه و کتابخانه سالار جنگ، حیدرآباد (مجلد دوم، محمد اشرف)، نسخه خطی، ۴۹۴ T.S. نستعلیق، سال ۱۰۸۰ هجری / ۱۶۶۹ م.

کتابنامه

اخبارالاخبار فی اسرارالابرار، شیخ عبدالحق محدث دهلوی، مطبع مجتبائی، دهلی، ۱۳۳۲ ه. ق.

پادشاه‌نامه، عبدالحمید لاهوری.

حیات شیخ عبدالحق محدث دهلوی، پروفیسور خلیق احمد نظامی، مطبع پوتین، دهلی، ۱۹۶۴.

عمل صالح، محمد صالح کنبوه، مجلس ترقی ادب، کلب رود، لاهور، ۱۹۶۰.

فهرست نسخ خطی فارسی، موزه بریتانیا، چارلز ریو، ج اول.
 مآثر الکرام، میر غلامعلی آزاد بلگرامی، تصحیح و تحشیه عبدالله خان، به اهتمام
 مولوی عبدالحق، حیدرآباد دکن، کتب خانه آصفیه، ۱۹۱۳ م / ۱۳۳۱ ه.
 منتخب التواریخ، ملا عبدالقادر بدایونی، ترجمه اردو، محمد محمود فاروقی، مطبع
 غلامعلی کشمیری، لاهور، ۱۹۶۲.

تشکر و سپاسگزاری

بدون راهنمایی استاد محترم جناب آقای پروفیسور شریف حسین قاسمی، رئیس اسبق
 بخش فارسی دانشگاه دهلوی و استاد راهنما، ممکن نبود کتاب اخبارالاکخیار را بدین
 صورت عرضه کرد. تشویق و الطاف و عنایات استاد قاسمی موجب شد که اخبارالاکخیار
 فی اسرارالاکبرار تصحیح شود. از استاد گرامی صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.
 استاد بزرگوار جناب پروفیسور سید امیرحسن عابدی که حقاً ایشان را پدر زبان
 فارسی در هند لقب داده‌اند در تکمیل این کتاب، اینجانب را راهنمایی فرموده‌اند، از
 ایشان هم سپاسگزارم و صحت و سلامتی استاد بزرگوار را از خداوند متعال خواستارم.
 از استاد گرانقدر و دانشمند ارجمند جناب آقای پروفیسور مهدی محقق، رئیس
 انجمن آثار و مفاخر فرهنگی صمیمانه تشکر می‌کنم که با عنایت ایشان این کتاب به
 چاپ رسیده است.

استاد ارجمند جناب آقای پروفیسور توفیق ه. سبحانی (استاد اعزامی به
 دانشگاه‌های دهلوی در هند) چه در هند و چه در ایران بنده را در تصحیح اخبارالاکخیار
 یاری نموده‌اند و پی‌گیری ایشان سبب شده است که این کتاب به چاپ برسد. اینجانب
 نمی‌توانم حق سپاسگزاری را به جای آورم و از ایشان نیز سپاسگزاری می‌کنم و موفقیت
 و پیروزی ایشان را از خداوند متعال مسألت می‌نمایم.

جناب آقای دکتر محمدرضا نصیری معاون اداری و مالی دانشگاه پیام نور و معاون

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی بنده را در چاپ کتاب راهنمایی نموده‌اند، از محبت و لطف ایشان متشکرم.

از همکاران ارجمند در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی که کوشیده‌اند این کتاب به صورتی پسندیده و پیراسته چاپ شود، از صمیم قلب تشکر می‌کنم.

دکتر علیم اشرف‌خان

۲۷ مه ۲۰۰۴ میلادی



مرکز تحقیقات کتب و نشر اسلامی

نشانه‌های اختصاری

- د : نسخه خطی «اخبارالاخیار فی اسرار الابرار» در کتابخانه دارالعلوم دیوبند، دیوبند، بخش سَهَارَنپُور (اُتراپردش).
- س : نسخه خطی «اخبارالاخیار فی اسرار الابرار» در کتابخانه و موزه سالار جنگ، حیدرآباد (اُتراپردش).
- ه : نسخه خطی «اخبارالاخیار فی اسرار الابرار» در کتابخانه عمومی هردیال (نام قبلی کتابخانه هاردینگ)، در نزدیکی ایستگاه راه آهن، دهلی کهنه.
- [] : اضافه از طرف مصحح.
- م : مصحح.
-] : آغاز متن افتاده.
- L : انجام متن افتاده.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی